



دانشگاه فرهنگیان
وزارت آموزش و پرورش
معاونت آموزش و پرورش استان تهران



National Conference
on Humanities with the approach of psychological research
educational sciences and teacher counseling



همایش ملی

علوم انسانی با رویکرد پژوهش های روانشناسی، علوم تربیتی و مشاوره "از نگاه معلم"

دسترسی و عدم دسترسی به گوشی هوشمند و استرسی که دانش آموزان کم بضاعت داشتند (جلوگیری از آسیب های روانی)

وحید نصرتی

سرباز امریه، مدرسه لقمان حکیم دفاری، شهرستان قشم

چکیده

در یکی از کلاس های درسی ام، نکته ای اخلاقی و ارزشی ای را درباره ی ارزشمندی (قلم و نوشتن) بیان کردم، که ذکر مجدد آن می تواند هدف اقدام پژوهی بنده را تبیین کند. در روزهای آغازین سال تحصیلی بود که به دانش آموزانم گفتم: همه به دفتر و مدارهای خود توجه کنید. سپس آیه ای از قرآن کریم را بر روی وایت برد نوشتم. و سپس خطاب به دانش آموزانم گفتم: عزیزانم، این آیه قرآن کریم است، خداوند مهربان در مورد موضوع مهمی صحبت کرده اند و آن موضوع این است که خدای مهربان به قلم (مثل خودکار، مداد و...) و به آنچه که می نویسد، قسم خورده اند، یعنی این مسئله بسیار مهم و ارزشمندی است که خداوند درباره اش قسم یاد می کند. پس چه ارزشمند است که چیزهای ارزنده و خوبی بنویسیم، مانند: داستان کوتاه، انشاء درباره ی مادر و پدر، و حرف های قشنگ دیگر، و چیزهای بد را نه بگوییم و نه بنویسیم. این هدف اولی بود که می توانستم برای نگارش یک اقدام پژوهی، در نظر بگیرم. اینکه؛ انسان در هر نقش و مسولیتی که قرار بگیرد، می تواند با افعال پسندیده ای، از نعمت و داده های الهی قدردانی نماید. (یعنی چیزی بنویسم که به درد جامعه بخورد و بتواند گره ای را بگشاید). و یک هدف معنوی دیگر نیز وجود دارد که ذکر آن خالی از ارزش نیست. دوست بزرگواری داشتم که نویسنده ی بسیار قابلی بودند، روزی در مورد تالیفات ایشان باهم گفت و گو کردیم، ایشان حرفی زد که برای همیشه آویزه گوشم قرار گرفت. مرا با نام کوچکم خطاب کرد و گفت: (باید "درد" و "غم" داشته باشی که بتوانی بنویسی و یا اجرا کنی... و من درد و غم بسیاری در مورد مشکلات اجتماع داشتم و همین امر مرا به نویسندگی واداشت) بله، درد و غم نیز در من ظاهر شد، و مسئله ای مرا آزار می داد، که (بعد از اجرا) دست به قلم شدم، تا نتیجه را با دیگر عزیزان به اشتراک بگذارم.

واژگان کلیدی: گوشی هوشمند، دسترسی، امنیت

مقدمه

به نام آن که زندگی را آفرید، و به نام او که به کالبدهای بی جان مان، زندگی عطا فرمود، به نام او که آفرینشش نوین و بی همتاست...

* هر سال، سال تحصیلی با "بوی ماه مهر" آغاز می شد، بازارها و لوازم التحریرها، شلوغ و پُر ازدحام می شدند. (جهت خرید کیف، کفش، لباس، و همه ی اقلام ضروری)

به به چه بویی، بوی تازگی و نو نوار شدنِ کودکان کل کشور را می توانستی استشمام کنی. اما امسال، بیماری نامبارکی همه جارا در بر گرفت و چهره شومش در همه جا سایه افکند، دیگر نه خبری از آن شور و شوق گذشته بود و نه مدارس (مثل سابق) دایر بودند.